

فهرست

| | |
|----|---|
| ۷۶ | پیشگفتار |
| ۸۲ | بامداد پارسی دری |
| ۷۹ | آغاز شعر پارسی |
| ۰۷ | آغاز شعر عروضی |
| ۶۷ | طاهریان |
| ۸۷ | صفاریان |
| ۲۸ | نگاهی به پارسی سرایان خراسان پیش از رودکی |
| ۱۸ | شعر فارسی در عصر سامانی |
| ۲۸ | نژاد و دولت سامانیان |
| | سیاست فرهنگی سامانیان |
| ۷ | سبک شعر فارسی در عصر سامانی |
| ۹ | محور زبانی (ویژگی‌های صرفی و نحوی) |
| ۱۰ | ویژگی‌های ادبی |
| ۱۱ | ویژگی‌های فکری |
| ۱۳ | منابع و مآخذ |
| ۱۴ | محمد بن وصیف |
| ۱۶ | بسام کرد |
| ۲۱ | محمد مخلد |
| ۲۱ | ابوسلیک گرگانی |
| ۲۲ | حنظله بادغیسی |

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

پیشگامان شعر فارسی عنوانی است برای شماری از سرایندگان آغازین در ادبیات فارسی، از حنظله بادغیسی و فیروز مشرقی تا رودکی و شاعران هم عصر او؛ یعنی آنان که سروده هایشان نخستین تجربه های شاعری در تاریخ ادبی ایران است و این اثر در پی یادکردی دوباره از این شاعران و میراث شعری ایشان است.

از مدیر محترم نشر جامی جناب آقای حسین دهقان که زمینه انتشار کتاب را فراهم کرده اند سپاسگزارم. در ویرایش و تصحیح این تالیف از همکاری و دقت نظر دوست عزیزم علی یاری دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی بهره مند بوده ام که امیدوارم سپاس مندی مرا بپذیرند.

نصرالله امامی

بهار ۱۳۹۴ خورشیدی

| | |
|-----|------------------------|
| ۴۷ | فیروز مشرقی |
| ۴۸ | رودکی سمرقندی |
| ۶۷ | شهید بلخی |
| ۷۰ | ابوشکور بلخی |
| ۷۳ | دقیقی طوسی |
| ۷۸ | معروفی بلخی |
| ۸۲ | منجیک ترمذی |
| ۸۱ | طاهر چغانی |
| ۸۲ | منصور منطقی رازی |
| ۸۴ | خسروی سرخسی |
| ۸۶ | رابعه قزداری |
| ۸۸ | عمار مروزی |
| ۸۹ | کسائی مروزی |
| ۹۶ | ابوزراعه معمري جرجانی |
| ۹۷ | فضل بن عباس ربنجی |
| ۹۸ | فرالوی |
| ۹۹ | ترکی کشی ایلاتی |
| ۱۰۰ | آغاجی |
| ۱۰۱ | توضیحات |
| ۱۴۳ | گزیده کتاب نامه |
| ۱۵۰ | نمایه واژگان و ترکیبات |

۹۲
۷۷
۸۷
۰۶
۶۲
۶۲
۵۷
۹۲



بامدادِ پارسی دری

بر گمان نه ابوحنصر شغدی به طور قطع اولین شاعر پارسی زبان است که در آثارش
 کلمات عربی و فارسی را با هم آمیخته و در کنار هم به کار برده است. این امر نشان
 دهنده آنست که در آن زمان زبان فارسی و عربی در کنار هم به کار می‌رفتند و
 با هم آمیخته می‌شدند. این امر نشان دهنده آنست که در آن زمان زبان فارسی
 و عربی در کنار هم به کار می‌رفتند و با هم آمیخته می‌شدند. این امر نشان
 دهنده آنست که در آن زمان زبان فارسی و عربی در کنار هم به کار می‌رفتند
 و با هم آمیخته می‌شدند. این امر نشان دهنده آنست که در آن زمان زبان
 فارسی و عربی در کنار هم به کار می‌رفتند و با هم آمیخته می‌شدند.

بامدادِ پارسی دری

نخستین نمونه‌های شعر در میراث ادبی ما به زبان پارسی دری سروده شده است؛
 یعنی به همان زبانی که نسل‌های بعدی سراینندگان پارسی‌گوی بدان شعر گفته‌اند.
 به نظر می‌رسد که در نام‌گذاری پارسی دری، آوردن صفت دری بدان سبب بوده
 که این زبان در اصل، خود زبانی دریاری و دیوانی و در نهایت رسمی در دستگاه
 ساسانی دانسته می‌شده است و مقارن استیلای اعراب بر نواحی غربی و مرکزی
 ایران، دبیران و مباشران و افراد دیوانی و دریاری، آن را به مشرق ایران و خراسان
 بزرگ انتقال داده‌اند و هم‌زمان با تشکیل نخستین دولت‌های نیمه‌مستقل ایرانی در
 دو سه قرن آغازین، به عنوان زبانی اداری و بعدتر ادبی به کار گرفته شده است؛ به
 بیانی کوتاه‌تر، پارسی دری زبانی است که با اندک تغییری از عصر پیش از اسلام به
 دوره اسلامی انتقال یافته است (بنگرید به: باقری، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۲). تکوین زبان فارسی
 از نخستین قرن صورت گرفت و تثبیت آن از اواخر قرن دوم آغاز گردید و در
 قرن‌های سوم و چهارم به مرحله تثبیت ملی و ادبی رسید.
 در دوره جدید زبان پارسی دری، برای نوشتن از الفبای عربی استفاده شده
 است؛ ولی علت این که چرا در قرن‌های اول و دوم اسلامی اثری از این زبان با خط
 عربی دیده نمی‌شود، احتمالاً ناشی از شرایط فرهنگی، تاریخی و سیاسی و شاید
 هم زمینه‌های باورداشتی بوده است.

پارسی دری با زبان پارسی امروز تفاوت چندانی نداشته است؛ زیرا سروده‌های
 رودکی را امروزه همه فارسی‌زبانان درس خوانده به آسانی می‌فهمند و از خواندنش

| | |
|-----|-----------------|
| ۲۷ | فیروز مشرفی |
| ۲۸ | رودکی سرخندی |
| ۲۷ | شهبود بلخی |
| ۷۰ | ابوشکور بلخی |
| ۷۳ | دقیقی طوسی |
| ۷۸ | مرووفی بلخی |
| ۸۲ | منجیبک ترمذی |
| ۸۱ | ظاهر چغانی |
| ۸۲ | مصور منطقی رازی |
| ۸۴ | خسروی سرخسی |
| ۸۶ | بامداد فرداری |
| ۸۸ | بامداد مروزی |
| ۸۹ | بامداد مروزی |
| ۹۶ | بامداد مروزی |
| ۹۷ | بامداد مروزی |
| ۹۸ | بامداد مروزی |
| ۹۹ | بامداد مروزی |
| ۱۰۰ | بامداد مروزی |
| ۱۰۱ | بامداد مروزی |
| ۱۰۲ | بامداد مروزی |
| ۱۰۳ | بامداد مروزی |
| ۱۰۴ | بامداد مروزی |
| ۱۰۵ | بامداد مروزی |

بامدادِ پارسی دری
 ۲۶۲۱

لذت می‌برند.

پارسی دری که آن را به اختصار، پارسی می‌گوییم، در طی چند قرن به پشتوانه آثار ادبی گرانقدری که در خود پرورانده، همواره توانمندتر از گذشته به زندگی اش پایایی و بالندگی بخشیده‌است.

پارسی دری در آغاز رونق کار شاعران عصر سامانی، به گونه بنیادی خود شکل یافته و پرورده شده بود و شکل آغازینش با آنچه در میراث شاعرانی چون رودکی و کسائی و دیگر پیشگامان شعر پارسی می‌بینیم، تفاوت ناچیزی داشته‌است. پارسی دری در یکی دو سده آغازین اسلامی در نقاطی از خراسان بزرگ گسترده‌ی یافت و برخی از گویش‌های محلی که آنها نیز از خانواده ایرانی بودند، با آن درآمیختند و موجب غنای واژگانی و تعبیری بیشتری در آن شدند و هنگامی که در شکل نوشتاری و به عنوان زبانی شعری و ادبی به کار گرفته شد، شکل پایدار و مستقل آن، کارمایه سراینندگان عصر سامانی و نسل‌های بعدی شد و سرانجام آن که به کارگیری پارسی دری در نظام‌های حکومتی و دربارهای خراسان و نواحی شرقی به تدریج رونق بیشتری گرفت.

گونه رسمی پارسی دری، بنا بر آنچه جغرافی‌دانان و مورخان کهن در آثار خود نوشته‌اند، از نیشابور تا مرزهای سُغد در فرارود را زیر پوشش خود داشت. این زبان که فردوسی آن را به صراحت، فارسی دری و فرخی، منوچهری، ناصر خسرو و دیگران، دری خوانده‌اند؛ البته با زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی مانند سُغدی، خوارزمی و طخاری متفاوت بود و اگرچه استقلال خود را در مقابل آنها و همچنین زبان عربی حفظ کرده بود، همواره این توانمندی را هم داشت تا از هر گویش و زبان دیگری از جمله عربی، وام‌واژه‌هایی را بپذیرد و آنها را متناسب با ظرفیت‌های آوایی خود به کار گیرد.

آغاز شعر پارسی

آغاز شعر پارسی هنوز در حاله‌ای از ابهام است؛ کسی به درستی نمی‌داند که نخستین سراینده پارسی که بوده و اولین شعر پارسی کدام است. پاسخ‌هایی که در این باره داده شده، راه به جایی نمی‌برد و غالباً با شایدها و احتمال‌ها همراه است؛

بی‌گمان نه ابوحنفص سُغدی به طور قطع اولین شاعر پارسی‌زبان است و نه آن گونه که صاحب تاریخ سیستان گفته، محمد بن وصیف سگزی. شاید محمد وصیف سگزی چنان که پس از این در باره اش سخن خواهیم گفت، نخستین کسی بوده باشد که در ناحیه سیستان و قلمرو صفاریان به پارسی شعر سروده است؛ وگرنه کسان دیگری هم در خراسان بوده‌اند که در سرودن شعر بر او پیشی داشته‌اند.

این که ما نمی‌توانیم نخستین شاعر را در زبان و ادب خود بشناسیم، مطلب غریبی نیست؛ زیرا در ادب عربی و مغرب‌زمین هم کسی نمی‌تواند به صورت یقینی آغازنده شعر را در زبان خود تعیین کند. این که در برخی افسانه‌های عرب، اولین شاعر را حضرت آدم دانسته‌اند و تذکره‌نویسان ما هم این نکته را از قول آنان نقل کرده‌اند، پنداری معنادار است و گویای آن است که در ناخودآگاه پردازندگان این افسانه، سرودن شعر قدمتی به اندازه حضرت آدم داشته‌است.

به نظر می‌رسد که انسان‌ها وقتی توانستند نیازهای آغازین خود را برآورده کنند، مختصر فراغتی یافتند تا به سوی موسیقی و شعر بروند؛ هر چند این واکنش فطری، بسیار ابتدایی و ناپرداخته بود.

از پرسش بی پاسخ نخستین شاعر که بگذریم، پرسش آسان‌تر دیگری پیش روی ماست و آن این که حال و روز شعر در ایران پیش از اسلام چگونه بوده و شعر موزون و مقفایی که آن را شعر عروضی می‌خوانیم، از چه زمانی رواج یافته است؟

آغاز شعر عروضی

شعر هجایی در عصر ایران باستان در سروده‌های مذهبی و روایت حماسی رواجی چشمگیر داشته‌است. سروده‌های هجایی در گائاه‌ها، یشت‌ها و دیگر بخش‌های اوستا با گونه‌های ۸، ۱۰ و ۱۲ هجایی که برخی از آنها با تصرّفاتی به دست ما رسیده، گویای جایگاه شعر در فرهنگ باستانی ایران است. سروده‌های هجایی برآمده در پارسی دری پس از اندک زمانی با انطباق بر اوزان عروضی و سازواری با سنت‌ها و قالب‌های شعری عربی، شکل جدیدی به خود گرفت که گونه پخته‌تر و کمال‌یافته‌تر آن را در میراث شعری سراینندگان عصر سامانی می‌بینیم؛ یعنی هنگامی که رودکی و معاصرانش به سرودن شعر می‌پرداختند، کاربرد اوزان